

آیا پارلمان، محلی برای معامله و امتیاز طلبی نیست؟؟؟

بخش دوم

تحقیق و پژوهش استاد (صبح)

رسول سیاف ۳۹ محافظ، ملا تره خیل کوچی ۳۰ محافظ، حاجی الماس ۲۰ محافظ، محمد یونس قانونی ۳۰ محافظ، ملا عزت ۲۳ محافظ، فضل الهادی مسلم یار ۱۸ محافظ، حاجی ظاهر قدیر ۳۵ محافظ، لالی ۲۸ محافظ. تنها معاش ماهانه یک عضو ولسی جرگه ۱۹۵ هزار افغانی است و دیگر امتیازات شامل این مبلغ نیست.

وکیلان ولسی جرگه و مشرانو جرگه !

از خدا بترسید و خجالت بکشید پارلمان شرکت بیمه نیست



مجلس امتیازات ویژه‌ای را برای اعضای خود تصویب کرد. طرح قانون مصونیت و حقوق اعضای پارلمان که برای اعضای مجلس در زمان خدمت و بعد از ختم مدت کاری امتیازات ویژه‌ای را در نظر گرفته، تصویب کرد. بر اساس مفاد این قانون برای تامین امنیت نمایندگان مجلس بعد از ختم دوران وکالت آنان امتیازات و حقوق ماهیانه در نظر گرفته شده است. هر وکیل پس از ختم دوره وکالت، دو محافظ، یاسیورت سیاسی به خود نماینده مجلس (پس از دوران وکالت) و یاسیورت خدمت برای خانواده داده می‌شود. در مراسم رسمی نیز که از نماینده مجلس دعوت شود و می‌تواند به عنوان یک شخصیت ملی شرکت کند. در مورد پرداخت حقوق پس از پایان دوره وکالت جنرال ۲۵ درصد از حقوق اصلی که بالغ بر ۱۹۵ هزار افغانی (معادل ۳۴۰۰ دلار) است به صورت مادام العمر نظر گرفته شد.

سوال اینجاست اگر پارلمان خانه ی مردم و مدافع حقوق آن ها است چرا نمایندگان يك پارچه از حقوق مردم دفاع نکرده و هر يك ساز سیاسی و قومی خود را می زنند و مردم را قربانی اغراض شخصی شان می کنند

و دولت با بی کفایتی و کابینه با بی کاره گی و نیروهای جنگ افروز را که با کشتن و انفجار دادن ها زندگی را به مردم وطن به جهنم تبدیل نموده اند و پشتیبانان های خارجی آنان را، وسیله نیروهای خارجی که توان نابودی و انحلال آنان را دارند ولی حاضر نیستند که چنین ریسک نمایند مورد بازخواست جدی قرار نمی دهند؟. عملکرد دولت و هماهنگی پارلمان و قوه ی قضائیه در مورد عدم خدمتگذاری به مردم و تلاش پارلمان بخاطر بدست آوردن امتیازات گوناگون از دولت و خارجی ها و روزگزارانی های بی هدف و بی مورد همه را از این نهاد بی کفایت نا امید و دلزده ساخته است. در روزهای نخستین که افراد جنگجو و شرارت پیشه در راس پارلمان به اساس زد و بندهای عقب پرده قرار گرفت همه امید ها را به یاس و همه آرزوها را به نابودی سوق داد. عملکرد پارلمان به هیچ وجه با منافع ملی مطابقت ندارد بلکه برعکس تأمین کننده ی منافع نیروهای خارجی در افغانستان است و این ثابت می سازد که نظام حاکم با تمام اجزایش وابسته و به آمریکا و غرب است. عملکرد مسوولین پارلمان این نظریه را ثابت ساخت که اگر آنها وابسته و هماهنگ با منافع بیگانه ها نمی بودند هرگز نمی توانستند به پارلمان راه پیدا کنند. با این حساب و محاسبه جای دارد که جنازه پارلمان را از دارالامان برداشته بعد از نماز جنازه در میدان زور آزمایی جنگ سالاران به محل اشک و آهی مردم مظلوم و ستم دیده افغانستان بخاک سپرد.

آنچه که وضعیت کشور را خراب ترمی سازد، فرورفتن نهادهای دولتی در کشاکش های قومی و زبانی و برجسته کردن آنهاست، بهتر است که هم حکومت و هم پارلمان، معیارهای شایسته سالاری و ارزشهای علم و کمال و توانایی و لیاقت را در نظر بگیرند و از توطئه در مسایلی که چالش زا و گمراه کننده است، اجتناب کنند. البته در جریان اختلافات و ناراحتی هایی که در پارلمان بروز کرد، نمونه های خوب و امیدبخشی هم مشاهده شد که میتواند محور تفاهم و همدلی ملی در کشور قرار بگیرد و آن، موضع گیری مشترک شمار زیادی از وکلای ولسی جرگه از تمام گروه های قومی و سیاسی و گردآمدن حول محور ارزشها و اصول مشترک ملی بود. مجلس شورای ملی می تواند با تقویت و توسعه این چنین حرکت های مفید و سازنده، راه روشن و درستی را فرا راه ملت و حکومت باز کند و به عنوان نماد وحدت ملی در کشور تبارز نماید.

همچنان یکی از مسایل زیانزد بحث های است پیرامون معاشات وکلای شورای ملی. درین میان دید گاهها و طرز تلقی های ضد و نقیض بسیاری حتی در میان وکلای ولسی جرگه نیز به عمل آمد که از جهاتی قابل تأمل به نظر میرسد. برخی از وکلا این معاشات را اندک و غیرمکفی می شمارند با این استدلال که آنها مکلف به مهمانداری از موکلین شان اند، شماری دیگر این معاشات را در مقایسه با معاشات کارکنان دولت گزاف و بالاتر از توان بودجه دولت به شمار آوردند. اما مردم بیشتر به این امری اندیشند که چگونه منسوبین وزارت مالیه که همواره در پرداخت معاشات نخور و بمیر ماموران و معلمان دلایل مختلف را مطرح می سازند، و تاکنون درین مورد از ابراز نظر و مشکل تراشی به دلایل معلوم خود داری ورزیده اند. یک نکته قابل یاد کرد است که، میراث نا برابر معاشات دالری که طی سالهای اخیر از سوی مراجع معین رسماً پرداخته شده، فرصتی بود که این رسم نا

برابر یک بام و دو هوا رامیان کارکنان فرودست و عاملان فرا دست به میان آورد. از سوی دیگر مشاورسازی و استخدام بیش از اندازه (ظرفیت) مشاوران داخلی و خارجی در وزارتخانه ها با معاشات چند صد و چند هزار دالر ی، دار و ندار کشور بودجه کمکهای به اصطلاح بادآورده را با چالشی روبرو ساخته است. درین مورد نیز وزارت مالیه مهر سکوت را از لب برنمیدارد. زیرا این توجیه را پیش میکشد که این پولها به بودجه دولتی ربطی ندارد.

اما آنچه بیش از همه وحشتناک و ظالمانه و مانند کارد به استخوان ملت ساییده میشود، معاشات چند و چندین هزار دالری مسوولین حکومت و مشاورین وزرا نیست، بلکه بلند بردن مالیات بخصوص مالیات خانه وزمین درکابل است که تا (چهارصد و پنجمصد فیصد) بالا برده شده است. بتواند بودجه خود را تکمیل کنند، بدون توجه به اینکه بدانند که آیا مردم میتوانند از خانه های جنگزده وزمین های محل سکونت خویش دریکسال چنین یک مالیه گزاف را که خود ساخته و پرداخته اند، بپردازند. درحالیکه باید مالیات نباید از حدود مشروعیت آن تجاوز کند و به صورت ظالمانه درآید. با همه این گفته ها، پرسش اینست که آیا حکومت با گرفتن و قانونی ساختن چنین مالیاتی میتواند از عهده پرداخت معاشات بلند دالری برآید یا خیر؟ اگر پاسخ منفی باشد، جای تأسف است، زیرا عامه مردم با معاشات اندک خود چگونه این مالیه پنجمصد فیصدی تثبیت شده از سوی حکومت را پاسخگو باشند؟.

ده هزار دالر و چهارمحافظة به هر وکیل شورای ملی داده میشود.

دولت متعهد گردیده تا جهت خریداری وسیله نقلیه به هر وکیل شورای ملی ده هزار دالر امریکایی و جهت تأمین امنیت آنان دوماحفظ بدهد. به اساس اظهارات یونس قانونی، این مبلغ درجریان پنجسال از معاش و کلا کسر خواهد شد.

زمانیکه وکلا باموترهای آخرین مودل بطرف محل وظیفه شان رهسپار است آیاری شده که به اطراف واکناف خویش چون: کوته سنگی، چوک ده بوری، پل سرخ و سوخته، کارته سه و چهار، دهمرنگ، باغ وحش، چهلستون، دارلمان که محل وظیفه مقدس آنان است، جاده میوند، کوچه های خرابات، بارانه و سنگ تراشی، پل محمود خان، چمن، ششدرک، مکروریانها ... نظر بیاندازند و به این فکرکنند که عاملین اینهمه ویرانی و بربادی را مورد سرزنش و بازخواست قرار بدهند؟ ویا اینکه هزاران هزارگرسنه و بیکار در چهارراهی ها و چوک ها منتظر یک ساعت کاری که از مزد آن بتوانند اطفالش را در روز برای یکبار غذا بدهد ویا هزاران هزار اطفال یتیم، زنان بیوه، خانواده های بی سرپرست و بازماندگان شهدا که دست به گدایی و اقدام به تن فروشی مینمایند، ویا کارمندان پائین رتبه دولتی که از طلوع تا غروب آفتاب به حقوق ماهانه سی تا چهل دالر فامیلش را سرپرستی مینمایند ویا دست فروشان که در زیر آفتاب سوزان و سردی زمستان بخاطر پنچ یا ده افغانی فریادی ببرید و بخرید را سرمیدهند به چشم میبینند و به گوش میشنوند که فیصله های به نفع این ستم دیده گان صورت گیرد. از جانب دیگر این نمایندگان روزگزاران ملت باید برای دفاع از حقوق برباد رفته مردم- دولت، کابینه، مقامات مسوول و ادارات امنیتی را بخاطری توجه ای مورد بازخواست و باز پرس قرار بدهند، آنان میدانند اگر به چنین کاری اقدام نمایند در آن صورت

دولت حاضر نمیشود که این همه سهولت را به ایشان مهیا سازد. نمایندگان باید بدانند که کشور نیازهای عاجل و فوری بخاطر خشکسالی، اوضاع وخیم امنیتی، مداخله و دست اندازی کشورهای دوروزد یک، گرسنگی و پریشانی مردم، چوروچپاول دارایی عامه از قبیل رشوت، اختلاس، دزدی، رهنی، قاچاق معادن زمرد و لاجورد، قاچاق مواد مخدره، زورگویی و بی بند و باری تفنگداران و جنگ سالاران، بمباردمان کورکورانه و خودسرانه نیروهای خارجی، شهید و معلولیت ده ها افغان در کشور... دارد که نباید وقت را از دست داد و اقدامات عاجلانه صورت گیرد.

از طرف دیگر افغانستان کشیده گی های بزرگ چون مساله خط دیورند، موجودیت سربازان خارجی که تاچه مدت در افغانستان حضور خواهند داشت، قراردادها و پیما نهایی بین المللی که ضرورت به بازبینی و تائید نمایندگان دارد، جلب توجه جامعه بین المللی برای اعمار و بازسازی مجدد کشور، بازپرس میلیاردها دالری که به کشور سرازیر و به کجا مصرف گردیده است و ده ها مسایل دیگر... سوال اینجاست اگر پارلمان خانه ی مردم و مدافع حقوق آن ها است چرا نمایندگان يك پارچه از حقوق مردم دفاع نکرده و هر يك سازسیاسی و قومی خود را می زنند و مردم را قربانی اغراض شخصی شان می کنند و دولت بایی کفایتی و کابینه با بی کاره گی و نیروهای جنگ افروز را که با کشتن و انفجار دادن زندگی را به مردم و وطن به جهنم تبدیل نموده اند و پشتیبانان های خارجی آنان را، وسیله نیروهای خارجی که توان نابودی و انحلال آنان را دارند ولی حاضر نیستند که چنین ریسک نمایند مورد باز خواست جدی قرار نمی دهند؟.

عملکرد دولت و هماهنگی پارلمان و قوه ی قضائیه در مورد عدم خدمتگذاری به مردم و تلاش پارلمان بخاطر بدست آوردن امتیازات گوناگون از دولت و خارجی ها و روزگزرانی های بی هدف و بی مورد همه را از این نهاد بی کفایت ناامید و دل زده ساخته است. در روزهای نخستین که افراد جنگجو و شرارت پیشه در راس پارلمان به اساس زدوبندهای عقب پرده قرار گرفت همه امید ها را به یاس و همه آرزوهارا به نابودی سوق داد. عملکرد پارلمان به هیچ وجه با منافع ملی مطابقت ندارد بلکه بر عکس تأمین کننده ی منافع نیرو های خارجی در افغانستان است و این ثابت می سازد که نظام حاکم با تمام اجزایش وابسته و به آمریکا و غرب است. عملکرد مسولین پارلمان این نظر یه را ثابت ساخت که اگر آنها وابسته و هماهنگ با منافع بیگانه ها نمی بودند هرگز نمی توانستند به پارلمان راه پیدا کنند. با این حساب و محاسبه جای دارد که جنازه پارلمان را از دارلیمان برداشته بعد از نماز جنازه در میدان زور آزمایی جنگ سالاران به محل اشک و آهی مردم مظلوم و ستم دیده افغانستان بخاک سپرد.

به وکلا و خانواده های آنان توزیع پاسپورت های سیاسی، توزیع یک پایه مخابره، یک کارت مخصوص VIP ماهانه ۶۷۵۰۰ افغانی پول دستر خوان، ۳۰ هزار افغانی ماهانه کرایه خانه، معاش ماهوار مطابق قانون، ماهانه ۱۲ هزار افغانی برای تیل و روغنیات موتر و... تقاضا شده است. ۲۵ هزار افغانی را که به عنوان سفر خرچ برای دوره رخصتی به هر وکیل و سناتور داده شده است، بشردوست میگوید- از جمله این پول هشت میلیون و هفت

صدو هشتاد و پنج هزار افغانی است و در حالیکه شماری از وکلای ولایات دوره رخصتی را در کابل و یا بیرون از کشور به سر رسانده است

هر وکیل ماهانه یک هزار و دو صد دلار آمریکایی حقوق، ماهانه ۶۷۵۰۰ افغانی پول دستر خوان، ماهانه ۳۰ هزار افغانی کرایه خانه، ماهانه ۱۲ هزار افغانی برای تیل و روغنیا ت موتر و . . . به علاوه ۲۵ هزار افغانی را که به عنوان سفر خرچ برای دوره رخصتی به هر وکیل و سناتور داده شده بود. شما قضاوت فرماید این همه پول از کدام طریق تهیه و به وکلای که تعداد آنان از چور و چپاول وطن میلیونها افغانی سرمایه دارند، پرداخته شود در وطنی که همه چیز آن به تاراج رفته است و از جانب دیگر کشور به بازسازی و تعمیر مجدد شدیداً نیاز دارد.

عبدالروف ابراهیمی رئیس پارلمان

آن چه انسان هرگز نخواهد فهمید این است که چگونه در مقابل کسی که ما را آفریده و همه چیز ما از اوست مسوول خواهیم شد و او از ما بازخواست خواهد کرد؟!؟! .



مشکل اساسی امروز عبور از جنگال خونین قدرتمداران و جنگ سالاران است. تکه داران قدرت - چون عبدالروف ابراهیمی، تورن اسماعیل، رسول سیاف، یونس قانونی، بسم الله محمدی، دبل عبدالله، گل آفاشیرزی، امرالله صالح، عطامحمد نور، سید منصور نادری، محقق، انوری، خلیلی، محسنی، اکبری، بصیر سالنگی، صلاح الدین ربانی، فاروق وردک، کریم خرم، انور الحق احدی، برادران مسعود. . .

عبدالروف ابراهیمی رئیس پارلمان و برادر کوچک لطیف ابراهیمی والی تخار و از فرماندهان سابق حزب اسلامی برهبری گلبدین حکمتیار متهم به سوءاستفاده از موقعیت اداری و فساد مالی گردید به رویت شواهدی که به نواندیشی نیز رسیده است و شبکه تلویزیونی یک نیز که از کابل نشرات دارد بر این گزارش ها مهر تائید گذاشته است رؤف ابراهیمی رئیس پارلمان طی یک سفری با همراهی دوازده تن از اقارب و خویشاوندان بیش از چهل هزار دالر را از بودجهی دولت به مصرف رسانیده است. برخی از نمایندهگان، این کار رییس مجلس نمایندهگان را شرم آوردانسته و خواستار برکناری او شده اند. این موضوع امروز در نشست عمومی مجلس نیز یکی از جنجالیترین بحثها بود. همه از ناکارایی شورای ملی به ستوه آمده اند و این قوا را حتا به کمیشن کاری متهم کرده اند. رییس مجلس نمایندهگان از هر کس دیگری بیشتر متهم به ضعف مدیریت و ناکارایی در این نهاد است. سه روز از سفر خارجی عبدالروف ابراهیمی نمیگذرد که او اکنون در یک سفر دیگر به خارج از کشور رفته است؛ سفرهایی که برخی از نمایندهگان حق خودشان دانسته اند. آگاهان میگویند که مخالفت با فساد اداری و مالی

رئیس مجلس افغانستان نه بخاطر از میان بردن فساد بلکه به دلیل عدم توجه به اعزام دیگر نمایندگان پارلمان است که آنرا حق خویش میدانند.

اخیراً برخی رسانه ها به نقل از شاروال کابل گفته اند که رییس ولسی جرگه برای خود و یازده عضو خانواده اش خواهان نمرات زمین و منازل رهایشی در شهر کابل شده است.

وکلا و سناتوران

گفتند چه نوشی؟ گفت: خون ملت

گفتند چه پوشی؟ گفت: پوست ملت

گفتند از چه راه این ها را به دست می آوری؟ گفت: از جهل ملت

گفتند از جهل چگونه نگهداری و مراقبت میکنی؟ گفت: در جعبه طلایی خرافات !! .



وکلا و سناتوران که متهم به اختلاس می باشند. این افراد علی رغم دریافت احضاریه ها و اخطارها از سوی لوی سارنوالی، تاکنون برای انجام تحقیقات و پاسخگویی به این نهاد حاضر نشده اند. منبع کابل پرس که یکی از مقامات بلندپایه ی لوی سارنوالی است و نخواست نامش فاش شود، ضمن اعلام اسامی این افراد گفت که لوی سارنوال افغانستان علی رغم تلاش های زیاد برای مبارزه با اختلاس و فساد میان مقامات دولتی، دستاورد چندانی نداشته است. وی افزود که مقامات بلندپایه که متهم به دست داشتن در اختلاس می باشند، اهرم های فشار سیاسی علیه سارنوالی دارند و بدلیل عدم حمایت جدی رییس جمهور کززی از لوی سارنوال کشور، رییس جمهور هر از چندگاهی به وجود فساد اداری سرسام آورد در دستگاه حکومت اشاره می کند اما اقدامات جدی وی را تاکنون ندیده ایم. رییس جمهور حتا گاه خود در نتیجه ی وساطت مقامات بلندپایه ی دولت، مانع از ادامه ی تحقیقات می شود.

در شرایط فعلی فقط نام چهارتن از وکلایی که متهم به اختلاس می باشند. لوی سارنوال که قصد داشته است که نام پنجمین وکیل را نیز افشا کند اما بدلیل کشته شدن وی در حادثه ی تروریستی اخیر در ولایت بغلان، از افشای نام این وکیل کشته شده خودداری می کند. این منبع تنها به میزان اختلاس این وکیل کشته شده ی پارلمان اشاره نمود و گفت که وکیل کشته شده متهم به اختلاس یک و نیم میلیون دالر آمریکایی بود.

نام چهار تن از وکلا و سناتورانی که از طریق وزارت دولت در امور پارلمانی به اتهام اختلاس، به سارنوالی فراخوانده شده اند و آنان اعتنایی نکرده اند چنین می باشد:

سید جعفر نادری، اختلاس در کارخانه ی سمنت غوری ولایت بغلان، پسر و برادر وکیل پارلمان.

سید منصور نادری، اختلاس در کارخانه ی سمنت غوری بغلان.

حضرت علی، سابق سرپرست ولایت ننگرهار، اختلاس نومیلیون و هشتصد و پنجاه و دو هزار افغانی.

صدیقه بلخی، در دو مورد، یکی عقد قرارداد شصت پنجهزارلیتر تیل دیزل در زمان وزارت شهدا و معلولین با

شرکت عارف کریمی و مورد دوم نیز در قرارداد یک در بند حویلی برای بود و باش معلولین و معیوبین.

در همین حال یک منبع دیگر در وزارت دولت در امور پارلمانی، ضمن تایید ارسال احضاریه ها به وکلا و سناتوران نام برده، افزود که خانم ملالی جويا نیز به اتهام توهین به اعضای شورای ملی به سارنوالی فراخوانده شده است.

وجود اختلاس در میان مقامات بلندپایه ی دولت اکنون به امری عادی و طبیعی بدل شده است. در کنار این مساله بیش از چهار ماه است که وکلا و سناتوران معاشات خود را از حدود یک هزار و یکصد دالر آمریکایی به حدود دو هزار دالر آمریکایی افزایش داده اند. گفته می شود که این افزایش معاشات وکلا و سناتوران پس از افزایش معاشات گزاف امتیازی مقامات بلندپایه ی حکومت صورت گرفته است. دلیل وکلا برای افزایش معاش این بود که چرا وزرا و والیان از معاشات گزافی برخوردار باشند اما معاش آنان حتا نیمی از معاش آنان نشود. اکنون چند ماهی می شود که دولت افغانستان، مخالف قانون اساسی و قانون رسانه های همگانی کشور، مکتوبی را به تمام ادارات دولتی ارسال کرده و از مقامات خواسته است که از مصاحبه با خبرنگاران و ارایه ی اسناد خوداری کنند. افشای موارد سوء استفاده و اختلاس از اموال و دارایی های مردم توسط هر شخص و مقام در هر رده ای که باشد جرم محسوب نمی شود بلکه حق طبیعی و قانونی آنان است.

شهرت و محبوبیت اصلی حضرت علی، بعد از حادثه ۱۱ سپتمبر به اوجش رسید. درست چند روز بعد از ۱۱ سپتمبر تیم های سیا به افغانستان سرازیر شدند و یک تیم سیا به نام ژولت تحت رهبری جورج معاون مرکز اوپراتیوی سیا در افغانستان به حضرت علی پیوست. گری برنتسن که رهبری تمام تیم های سیا در افغانستان را به عهده داشت، نوشته است که از تاریخ ۱۸ نومبر ۲۰۰۱ تا ۱۷ دسمبر ۲۰۰۱، که آخرین مغاره در توره بوره بدست نیرو های امریکایی افتید، در یک ماه، بیش از سه بار و تقریباً دو ملیون دالر پول به حضرت علی فرستاده است. حضرت علی که بعد از به اصطلاح فرار اسامه از مغاره های توره بوره تا جایی به شهرت نیز رسیده است، یکی از محدود کسان نیست که میداند اسامه چگونه از آنجا در امنیت کامل فرار داده شد.

وکیل ها و چپاولگری های کلان



شماری از اعضای ولسی جرگه که نام های شان در فهرست غاصبان زمین ازسوی برخی رسانه ها منتشر شده، خواهان بررسی جدی این مساله شده اند. انتشار این فهرست که در آن نام های شماری از اعضای ولسی جرگه این کشور نیز به چشم می خورند، خشم جدی این نماینده های مردم را برانگیخته است. روزنامه هشت صبح چاپ کابل فهرستی از غاصبان بزرگ زمین را که گفته شده در نتیجه بررسی های یک کمیسیون خاص دولتی تهیه شده، به نشر رساند.

حالا آن عده از اعضای ولسی جرگه که به عنوان غاصب زمین معرفی شده اند، این کار را ترور شخصیت های مهم کشور می دانند. اسنادی که به دست روزنامه هشت صبح رسیده نشان می دهد که در بیشتر از یک دهه گذشته حدود دو میلیون جریب زمین دولتی در افغانستان ازسوی افراد مختلف به شمول مقام های دولتی غصب شده اند. در این اسناد از عزت الله عاطف، ملا تره خیل کوچی و سید حسین انوری نماینده های بر حال ولسی جرگه و نجیب الله کابلی عضو سابق ولسی جرگه و رییس حزب مشاکت ملی نیز به عنوان غاصبان زمین نام برده شده است.

در اسناد آمده است که ملا عزت الله عاطف پنجصد جریب زمین را در منطقه قرغه و نجیب الله کابلی ششصد و پنجاه جریب زمین را در منطقه کاریزمیر و ولسوالی شکر دره غصب کرده اند. در این اسناد ملا تره خیل کوچی متهم به غصب صد و بیست هزار نمره راهیسی در ولسوالی بت خاک و سید حسین انوری متهم به غصب احاطه برج برق منطقه وزیر آباد شهر کابل شده است. اکبر وزیر پیشین امور مهاجرین و قوماندان ممتاز هم به اساس این اسناد متهم اند که پنجصد جریب زمین را در مربوطات ناحیه بیستم شهر کابل غصب کرده اند. در همین حال لوی خاړنوالی افغانستان می گوید: از این میان صرف عزت الله عاطف عضو ولسی جرگه پیش از این نیز به اتهام غصب زمین در این اداره دوسیه دارد. در مورد سایر افراد متهم تحقیق خواهند کرد: ملا عزت در خصوص غصب زمین در بند قرغه نزد ما دوسیه دارد و این دوسیه به محکمه فرستاده و چند نفر نیز مجازات شده اند. در ده سال گذشته غصب زمین در افغانستان یکی از مشکلات عمده به حساب می آید و بارها نسبت به این مساله ابراز نگرانی شده است. به اساس گزارش ها، در بیشتر موارد در غصب زمین افراد زورمند و مقام های دولتی دست دارند اما تا اکنون کسی در پیوند به این مساله محکوم به مجازات نشده است. هر چند در اسناد تازه ارایه شده آمده است که حدود دو میلیون جریب زمین در کشور غصب شده اند، اما پیش از این وزارت زراعت گفته بود که مقدار زمین های غصب شده به چهار میلیون جریب می رسد.

ظاهر قدیر وکیل ولسی جرگه



ظاهر قدیر میگوید- او به اندازه کافی سرمایه دارد و مجموع سرمایه اش به ۳۵۰ میلیون دالر می‌رسد. حدود ۳۰۰ موتر دارد که از این تعداد ۲۰ عراده آن ضد گلوله است. همچنین مصارف و ماهانه اش به سیصد تا چهارصد هزار دالر می‌رسد.

دارایی حاجی ظاهر قدیر سه صد و شصت و پنج میلیون دالر است، تعجب آور است که موصوف آن را از کجا دریافت کرده است؟! ظاهر قدیر در ولسی جرگه گفت: که مالک ۳۰۰ عراده موتر بوده و مجموع سرمایه اش به سه صد و شصت و پنج میلیون دالر امریکایی می‌رسد. با آن که عبدالظاهر قدیر شریک بودن در تجارت را رد کرد اما افزود که مصرف ماهانه او به ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار دالر می‌رسد، تا چهاردهه پیش و حتا دو دهه پیش گمان نه کنم که سرمایه‌ی تمام سرمایه داران ولایت ننگرهار به دو و یا سه صد میلیون دالر بوده باشد. حال نه میدانم که قدیر چند عراده از این موترهای را از پدراثر برده، موترهای ضد مرمی نیز اکثراً ذریعه همین فامیل به غنیمت گرفته شد. و جالب اینکه این چهارصد تا پنجصد هزار دالر را درچی راهی مصرف می‌کند؟! این همه سرمایه‌های خون و آتش ثمره همین چورو چپاول، غارت و غصب ملکیت‌های مردم می‌باشد در غیر آن اسمان دالر نمی‌بارد و از زمین هم پوند و یا کلدان نمی‌روید. چندی قبل ده‌ها تن در شهر جلال آباد دست به اعتصاب غذایی زدند. تعدادی می‌گویند- عبدالظاهر قدیر عضو مجلس نمایندگان به کمک یک عضو شورای ولایتی صدها جریب زمین دولتی را بعنوان زمین‌های شخصی بالای آنها فروخت. اما اکنون نه زمین به آنها داده می‌شود و نه پول آنها مسترد می‌گردد. آنها هشدار می‌دهند تا زمانی که حقوق خود را دریافت نکرده‌اند از اعتصاب دست نخواهند کشید. از سویی هم نماینده عبدالظاهر قدیر این ادعاها را رد می‌کند.

در جریان سال روان شماری از بزرگان و موسفیدان قوم مومند در ولایت ننگرهار، والی و شماری از سرمایه‌داران را به غضب زمین‌های دولتی متهم کردند. این نمایندگان در یک کنفرانس خبری ادعا کردند که والی و شماری از سرمایه‌داران حدود بیست هزار جریب زمین دولتی را در مربوطات ولسوالی رودات ننگرهار به تصرف‌شان درآورده و روی آن کار می‌کنند. اداره مبارزه با فساد اداری می‌گوید، در جریان شش ماه نخست سال روان شماری از شهرک‌هایی که جدیداً در کابل اعمار گردیده، با ساختن اسناد جعلی سی و سه هزار جریب زمین دولتی را غضب نموده است.

زاخیلوال میگوید: حاجی ظاهر قدیر به ارزش دوصدشصت نوملیون دالرامریکایی قاچاق نموده است.

محمد نعیم لالی هزارنوصدعراده وسیله نقلیه اشتراک را خالص قانون وارد نموده است.

به تاریخ سیزده ماه می دوهزارسیزده قاچاقبران وزورگویان را که زمانی پیشوند قوماندان جهادی و اکنون لقب وکیل و نماینده مردم را با خود یدک میکشند چنین رسوا ساخت: عبدالظاهر قدیر نماینده مردم ننگرهار: یک ونیم ماه قبل لاری های قاچاق آرد در ولایت ننگرهار دستگیر شدند و پس از ضبط آنها، ظاهر قدیریکی از اعضای مجلس نمایندگان به وی در یک تماس تلفونی خواهان رهایی آن لاری ها شده است. زاخیلوال علاوه کرد- شرکت های جبار قدیر و عبدالقهار قدیر در این قاچاق دست داشته و هم چنین ظاهر قدیر که رهبری کاروان صلح را به عهده داشت، چندین بار خواهان کمک شده است. حلقه د سولی کاروان همراه با این دو شرکت تا کنون از آن سوی مرز دوازده هزار سه صدنوددو لاری آرد وارد کرده که از جمله هفت هزار هشتصد آن راجستر شده و چهار هزار ششصد آن قاچاق گردیده و از تادیه محصول به خزینه دولت خود داری شده است. ارزش این قاچاق دوصدشصت نوملیون دالربوده و این قاچاق از اول جوزای هشتادونو تا سی جوزای سال سیزده نودیک صورت گرفته است.

با مراجعه به سوابق، این نماینده ملت و پسر قوماندان برجسته جهادی، قبلاً نیز در قاچاق هروئین متهم بوده است. چنانچه بر اساس گزارش مورخ سی اسد سیزده نود تلویزیون طلوع نیوز و استناد برنامه ریاست عمومی حارنوالی اختصاصی مبارزه بامواد مخدر، ظاهر قدیر در سال سیزده هشتاد شش زمانی که قوماندان لوای هشتم سرحدی بود در قاچاق یکصد بیست سه کیلوگرام هروئین دست داشت.

این محموله قاچاق در موتر رینجر پولیس توسط پنج نفر از خویشاوندان ظاهر قدیر به شمول پسر عمه وی که در پست سکرتر نامبرده در لوای سرحدی ایفای وظیفه مینمود، انتقال داده میشود. ظاهر قدیر یکی از زورگویان مشهور است چنانچه مدتی قبل یکی از سربازان وظیفه شناس پولیس که مصروف اجرای وظیفه بود؛ بدون موجب از طرف برادر حاجی ظاهر قدیر و بادیگارد های وی در برابر چشم خبرنگاران چنان لت و کوب گردید که حتی نزدیک بود جان بدهد. این موضوع به صورت وسیع از طرف ناظرین صحنه به اطلاع مردم رسانیده شده است.

همچنان محمد نعیم لالی حمیدزی وکیل مردم قندهار: در وارد نمودن هزارنوصدعراده وسیله نقلیه اشتراک راسته که توریید آن از سوی شورای وزیران ممنوع شده بود، دست داشت. لالی حمیدزی همچنین شراب را قاچاق کرده و یکی از کارمندان گمرک را نیز روز گذشته به مرگ تهدید کرده است. سمیع الله صمیم وکیل ولایت فراه: حدود دو ماه قبل پنج تانکر تیل به شکل قاچاق از طریق سرحد ولایت فراه وارد کشور و ضبط شده بود، سمیع الله صمیم با وزیر مالیه تماس گرفته و خواستار رهایی این تانکرها شده است. همچنان سمیع الله صمیم زمانی که پنجاه بوتل شراب را از مسکو وارد افغانستان می کرد، از پاسپورت سیاسی خود استفاده سوء کرده است.

عارف رحمانی نماینده مردم غزنی: به خاطر دریافت کمک های مالی بر وزیر مالیه فشار وارد کرده است. عظیم محسنی "نماینده مردم" بغلان: چندین بار از وزیر مالیه خواهان توزیع غیر قانونی خانه های رهائشی نساجی ولایت بغلان شده است. محمود سلیمان خیل نماینده مردم پکتیکا: خواهان موظف شدن پسرش به عنوان مدیر

گمرک ولایت پکتیکا شده و حتی مقداری پول را به رئیس منابع بشری وزارت مالیه برای مقرر شدن پسرش در این پست پیشنهاد کرده است.

ملا تره خیل (وکیل)



ملا تره خیل نماینده کوچی ها در مجلس با سابقه ی حمله به مردم و تیر اندازی محافظانش به دلیل ترافیک در کابل و کشته شدن یک فرد و زخمی شدن دو تن دیگر، با موتر بدون نمبرپلیت. محافظین وی در کابل هفت غیرنظامی را در منطقه پل خشتی در حوزه اول کابل هدف تیراندازی قرار دادند که دو تن پس از انتقال به بیمارستان جان دادند. بدستور ارگ موضوع پیگیری نشد. و همچنان در یک حادثه دیگر در نتیجه حمله افراد نظامی ملا ترخیل کوچی به مردم در کابل، پنج تن زخمی و دو تن نیز کشته شدند. در جریان حمله، ترخیل نیز حضور داشت. ملا تره خیل در ازدحام پل خشتی برای گشت و گذار رفته بود که با یک کراچی وان مواجه شد، کراچی وان مورد غضب و لت و کوب گاردوی قرار گرفت که چرا سد راه وکیل صاحب شدی، سایر کراچی وان ها به طرف گارد آمدند که ناگهان توسط گارد های دیگر به آنها تیراندازی صورت گرفت که سه نفر کشته و شش نفر زخمی در پی داشته است، به گفته شاهدان عینی ملا تره خیل بطور مخفیانه با رها کردن چین و لنگی خود فرار کرده است. اما جای تعجب است که مقامات دولتی و امنیتی سکوت کرده، شاهد ظلم و تعدی زرمندان بر مظلومین این سرزمین فقر زده هستند.

در پی کشته و زخمی شدن هفت تن از کراچیوانان و عابریان در جاده میوند کابل به اثر تیراندازی محافظان ملا ترهخیل کوچی - نماینده کوچی ها در مجلس نمایندگان و یک تن از نامزدان دور دوم انتخابات پارلمانی - برخی گزارشها حاکی از آن است که او از رفتن به دادگاه سر باز زده است.

ملا ترهخیل کوچی که به عنوان یکی از حامیان اصلی حامد کرزی رییس جمهور در مجلس نمایندگان به شمار می رود، اتهامها علیه خود را رد کرده می گوید که او حاضر است برای دفاع از خود در هر محکمه ای که خواسته باشند، برود. او گفت: «جرم، عمل شخصی است و به من هیچ تعلق ندارد، اما من را اگر هر محکمه و هر مرجعی بخواد حاضر که بروم. در هر محکمه ای که من را کسی بخواد، من حاضرم، چون هیچ چیز به من ارتباط ندارد.»

ملا ترهخیل کوچی متهم است زمانی که بتاریخ سوم اسد با محافظانش از چوک پل خشتی در جاده میوند عبور می‌کرد، با کراچی‌وانان و عابریں در این جاده درگیر شده و دست به تیراندازی زده است. در این حادثه که دو تن کشته و پنج تن دیگر زخمی شدند، براساس گزارش‌ها و گفته‌های شاهدان عینی، خود ملا ترهخیل نیزحضور داشته و با تفنگچه به سوی مردم شلیک کرده است. این درحالیست که پیش از این، لوی‌سارنوالی اعلام کرده بود که ملا ترهخیل کوچی ازکابل فرار کرده و نمی‌تواند به مبارزات انتخاباتی خود ادامه بدهد. پیش از اقدام لوی‌سارنوالی، رییس جمهورنیز تاکید کرده بود که به دوسیه ملا ترهخیل رسیدگی شود.

نمبرپلیت موترهای ملا تره خیل بنام (ملاخیل) است و اصلا نمبرندارد و ثبت شده ترافیک نیست.

رسانه های خبری گزارشی را به نشر رسانیدند که پولیس حوزه دوازدهم شهرکابل یک باند ازاختطاف گران را که قصد اختطاف یک بازرگان را داشتند بعدازمقاومت اعضای این باند درحالی دستگیر کردند که اختطاف گران از پوسته امنیتی پولیس حوزه دوازده موفق به فرار شدند وحتی قصد کشتن امرحوزه دوازده را که جلو ایشان را گرفته بود هم داشتند که موفق به این کار نشدند. بقول یکی ازرسانه ها اختطاف گران به یکی از اعضای پارلمان ارتباط نزدیک داشتند. طبق تازه ترین خبرازیک منبع، زمانکه این اشخاص دستگیر گردیدند شخصی بنام ملاتره خیل کوچی نماینده مردم کوچی درپارلمان به امر حوزه زنگ می زند و با شدت تمام بالای امر حوزه فریاد می کشد که تو با کدام جرات برادرزاده و خواهرزاده هایم را دستگیر کردی؟ امرحوزه می گوید که ایشان را هنگام اختطاف دستگیر کرده است. ملاتره خیل با دشنام دادن به امرحوزه و وزیر داخله صحبت را قطع می کند و چند لحظه بعد وزیر داخله به امرحوزه زنگ می زند و می گوید که حامد کرزی که در سفر به ناروی است به وی زنگ زده و گفته است که خویشاوندان حاجی صاحب تره خیل به اسرع وقت از قید رهایی یافته و از ایشان عذر خواهی صورت بگیرد!

طبق حکم شفاهی وزیر داخله اختطاف گران از قید حوزه دوازده رها می شوند و به خانه خود می روند. فردا زمانی که امر حوزه به دفتر کارش می رود برایش گفته می شود که شخصی آمده و گفته است که یک فرمان بالای حوزه را باخود آورده است که باید تسلیم امر حوزه کند. زمانی که امرحوزه فرمان را می خواند می بیند که فرمان از طرف ملاتره خیل کوچی عنوانی آمریت حوزه دوازده هم پولیس نوشته شده است و امر شده است که سلاح و مهمات را که پولیس از افراد دستگیر شده اش بدست آورده است دوباره به شخص آرورنده نامه مذکور تسلیم داده شود و در صورت ضرورت به نمبر شخص ملاتره خیل تماس برقرار گردد.

سید حسین انوری (وکیل)



جندی قبل جعفری باران ازسوی برادر سید حسین انوری تهدید به قتل شد. باران به دلیل نشر مصاحبه ایشان دروبلاگ سایه روشن ازسوی برادر سید حسین انوری تهدید به قتل گردید. باران اعلام نموده است که طی یک تماس تلفونی برادر سید حسین انوری اعلام نموده است که به زودی رنگت را از روی زمین گم می کنیم.

ارتباط سید حسین انوری یکی از نقش آفرینان جنگ های داخلی، در تراژدی افشار می باشد. در جنایات افشار که در ماه دلو سیزده هفتاد یک بوقوع پیوست، ده ها کودک، زن و مرد به وحشیانه ترین شکل ممکن کشته شدند. همچنین این تراژدی نشان دهنده ی چند نوع جنایت می باشد که با توجه به اساسنامه ی دادگاه بین المللی جزایی چنین دسته بندی شده است:

جنایات علیه بشریت

جنایات جنگی

جنایات تجاوز

بسیاری از ساکنان افشار شهر کابل پس از این جنایات و در جریان آن، ناچار شدند که محل زندگی خود را ترک کنند و اکنون خانه ها و زمین های آنان توسط افراد دیگر تصرف شده است.

سید حسین انوری که اکنون خود را مصروف در شبکه های اقتصادی مافیایی افغانستان نموده است بعد از اختلافات با شیخ آصف محسنی در حزب حرکت اسلامی انشعاب بوجود آورد و حزب جدیدی به نام حرکت اسلامی مردم بوجود آورد. او در طول سالهای حاکمیت خود در وظایف وزیر زراعت، والی کابل و والی هرات استفاده های سویی از قدرت و وظیفه اش نمود او در میان مردم اصیل هرات جایگاهی ندارد و بعنوان یک استفاده جو و غاصب زمین های هرات یاد می شود. چندین بد رفتاری از وی با خبرنگاران به ثبت رسیده است که افرادش نیز خبرنگاران و افراد عادی را لت و کوب می نمودند. سید حسین انوری یکی از مخالفین قلدردر مقابل حاجی محمد محقق است و این دو نفر نمادهای برجسته ای برای اختلافات میان سید و هزاره در افغانستان به شمار می روند.

سید حسین انوری با تربیت گروهی خاص به شکل مرموز مخالفین خود را سرکوب می کنند و بسیاری از مردم و حتی جریانات سیاسی در مقابل این فرد جرات بیان حقایق را ندارند. سید حسین انوری از درک جهاد و خون شهدا توانست معاملات بزرگی را راه اندازی نماید و مالک دهها هتل های بزرگ و مارکیت ها و بلند منزل ها در شهر کابل هرات و دیگر شهر های بزرگ افغانستان باشد. او یکی از سردمداران بزرگ سادات است که هنوز با

حریفان غدر سیاسی خود چون خلیلی و محقق مقابله می کند. او توانست با خرچ و مصرف پولی زیاد به مردم تاجک و برخی هوادان پشتونش آرای مردم را خریده و خود را به وکالت پارلمان برساند. او از جمله افرادی است که در لیست سیاه جنایتکاران قرار دارد. یکی از جنایات سید حسین انوری ارتباط وی با جنایات افشار است. صداوسیما هزاره مینویسد: سید حسین انوری که سالها از مردم هزاره پولهای به نامهای شرعی اخاذی کرده و توسط این پولها به حیات اش ادامه داده و سید حسین انوری با به شهادت رساندن فرمانده مشتاق، صادقی نیلی، کاشفی، سید ابراهیم شاه حسینی، ترور ده هاشخصیت روشن فکر وجوانان نخبه هزاره، قتل عام هزاره ها در افشار اخفال کردن قومندانان هزاره به نفع مسعود و . . . بسند نکرده. در و قع مانند انگل از خود پیکر هزاره تغذیه کرده و به نابودی اش پرداخته. این یار نزدیک شیخ آصف محسنی قندهاری برای نابودی پیکره ای واحد ملت هزاره و برای نابودی شخصیت های برجسته هنری و سیاسی هزاره که هر کدام در رهبری جامعه هزاره نقشهای برجسته داشتند و دارند از هیچ چیزی دریغ نمیکند. امروز برای نابود کردن یکی دیگر از فرزندان غیور هزاره اقدام به ربودن ایشان کرده. تا شاید بتواند چهره های بیدارگر هزاره را کنار زده و خودشان همانند سالهای تاریک گذشته از وجود این مردم سوء استفاده نمایند تا ازین طریق به حیات اش ادامه دهند تا اربابانش از ایشان حساب برد.

مسلم فهیمی مدیر مسئول هفته نامه پیک دیده بان در اواخر سالگذشته هنگام خروج از منزل اش توسط افراد شیخ آصف محسنی (به سرکردگی سید انوری) ربوده شده که تاکنون هیچ معلومات از ایشان نیست. قضیه از آنجا آغاز شد که فهیمی دوسال پیش در مصاحبه ای (با) تلویزیون امروز (که خودیکی از خبرنگارانش بود برای اولین با از جنایات زنجیره ای شیخ آصف محسنی قندهاری در یک رسانه جمعی پرده برداشت شهادت فهیمی تمام صاحب نظران را در پایتخت و خارج از کشور که از جنایات شیخ آگاه بود شوکه کرد و به خصوص اطرافیان شیخ را به شد عصبانی کرد. فهیمی موضوع مرموز شهید مشتاق و ازدواج اجباری با خواهر مشتاق توسط شیخ مکار در سن سیزده سالگی، و به شهادت رساندن صادقی نیلی و ده ها جنایت شیخ را به بحث کشاند و در نقطه های تاریک این جنایت سیه روشنی انداشت که بعد ازین قضیه تلویزیون تمدن دستپاچه شدند و دنبال راه فرار به فحاشی و منحرف کردن اذهان عامه پرداخت. شیخ که همیشه وارد شدن از راه مذهب را در جامعه هزاره تجربه کرده بوده و ازین طریق مردم صادق هزاره را به هر طرف که خواست کشاند و از بازوان شان چه کار های را که نکشید و چه اخاذی های که نکرد و همچنین سوار بر ذهن مردم ساده هزاره چه امتیاز های سیاسی از کشور های همسایه برای بقای خویش گرفت، وگر نه غیر از یک تعداد هزاره دیگران که حساب از شیخ نمیبهرند. این بار هم مسلم فهیمی را که در حوزه علمیه قم همان جا که خود شیخ درس حوزه وی خوانده را متهم کرد که ایشان یهودی است و در داخل جامعه هزاره اقدام به پخش اطلاعاتی های به عنوان علماء، طلاب، و دانشجویان به صورت شبنامه در کابل بخصوص دشت برچی نمودند. این اطلاعاتی ها هم کار به جای نبرد چون که آب خُنک روی دست اش ریخته شده بودند.

به ناچار شیخ دست به دامان کرزای شد و در رکاب کرزی از تهی دل اشك تمساح ریخت. به این سبب با پادر میانی وزارت اطلاعات و فرهنگ به بازگو کردن جنایات شیخ آصف از رسانه ها کم کم به پایان رسید. آقای مسلم فهیمی بعد از افشاکری های جنایات شیخ آصف محسنی قندهاری در رسانه ها به این آن قنجی (اکتفا) نکرد. با در دست داشتن يك نشریه (هفته نامه) به نام پیک دیده بان مقاله را با عنوان (بازخوانی جنایت ها) در شماره دوم اش شنبه بیست سه عقرب هشتاد و هشت نشر کرد که در آن از شیخ آصف محسنی، مفتی قتل، سیدانوری مجری، مشتاق مقتول، صادقی نیلی مقتول و... . نشر کرد. که يك بار دیگر به تشدید رسوای شیخ آصف و انوری پرداخت. در واقع وقتی که من این مقاله تحقیقی را خواندم خیلی شباهت به نشریه دهه هفتاد عصری برای عدالت داشت که من عاجزم از تعریفش. واقعاً مردم هزاره نیاز به يك رسانه مستقل یا يك نشریه مثل (عصر برای عدالت و پیک دیده بان) داریم از آن به بعد مسلم فهیمی چند بار توسط اطرافیان شیخ به سرکردگی تروریست معروف سید حسین انوری تهدید به ترور شد که يك بار به گفته خود آقای فهیمی که قبل از ربودنش گفته بوده به حریم خانه ایشان توسط خود سید انوری تجاوز شده که در غیاب ایشان پدر وی را تهدید به کشتن نموده بوده. آیا امروز وظیفه رسانه ها و قشر بیدار و قلم بدست جامعه هزاره در قبال سرنوشت این ژورنالیست دردمند چیست. رسانه های ما باید دولت را تحت فشار قرار دهد تا دولت خود مجبور شود که اقدام نماید. و اگر امروز جامعه ما نیبت به سرنوشت این ژورنالیست دردمند هزاره احساس مسئولیت نکند و واکنش نشان ندهد در آینده دست این باند آدم روبا، تروریست و مافیای مذهبی باز تر خواهد شد و آزادی بیان را از قلم بدستان ما خواهد گرفت و در آینده دیگران هم به سرنوشت مسلم فهیمی دچار خواهد شد.

الله گل مجاهد (وکیل)



در شهرک نوروزآباد ولسوالی ده سبز، در غصب زمین و ایجاد فضای نا امنی، الله گل مجاهد نماینده دست دارد ووی سه صدفرد مسلح غیر مسئول در اختیار دارد که همواره مردم را در این ولسوالی تحت فشار قرار می دهند. لت و کوب حاجی نوروزیکی از تاجران، تنظیم نمودن تظاهرات ضد حکومت و غصب زمین در شهرکابل مواردی هستند که الله گل مجاهد به آن متهم شده است.

پولیس کابل میگوید اسناد موثق در اختیار دارد که الله گل مجاهد، در ترور، اختطاف های مسلحانه و جرایم سازمان یافته در شهر کابل دست دارد. الله گل مجاهد در اختطاف، حمله مسلحانه، دزدی و سرقت سلاح دست

دارد، اسنادش در اداره ما موجود است، بنأ رییس جمهور و ولسی جرگه اجازه بازداشت او را به ما بدهند. مجاهد از صلاحیت های پارلمان و حزبی خود سوء استفاده می کند و این عضو مجلس اقدام به ترور، آدم ربایی و جرایم سازمان یافته در شهر کابل کرده است. پولیس میگوید- مشخصاً از اعضای ولسی جرگه و برخی احزاب سیاسی کشور خواست که زمینه را برای دستگیری الله گل مجاهد مفسد فراهم کنند. چندی قبل چهار انجنیر جاپانی از سوی جنت گل برادر الله گل مجاهد در ده سبز کابل ربوده شدند. این چهار انجنیر برای بررسی و ساخت سرک به منطقه ده سبز در شمال شرق کابل سفر کرده بودند. ماموران پولیس و نظامیان اردوی ملی برای رهایی این چهار انجنیر جاپانی عازم این منطقه شده بودند که با افراد مسلح الله گل مجاهد درگیر شدند. در این درگیری هفت غیرنظامی و یک مامور پولیس کشته و بیش از ده فرد ملکی دیگر زخمی شدند. بیتشر قاتلان، آدم ربایان و دزدان مسلح شهر کابل در خانه الله گل مجاهد هستند، در آنجا میله دارند و کارهای غیر قانونی را سازمان دهی می کنند. جنایی پلیس کابل از خلاف ورزی های بی شمار الله گل مجاهد عضو مجلس نمایندگان با استفاده از مسئولیت پارلمانی، سخن گفته و میگوید که وی در دست کم یازده مورد که شامل غصب زمین، قتل، اختطاف و سرقت های مسلحانه میباشد دست دارد و عامل کشته شدن هفت نفر از افراد ملکی و زخمی شدن چهار پلیس در قضیه اختطاف انجنیران جاپانی می باشد.

جنرال ظاهر علت اصلی رخ دادن پنجاه درصد جرایم سازمان یافته در پایتخت را الله گل مجاهد عضو مجلس نمایندگان خوانده و از حکومت و پارلمان می خواهد که وی را بزودترین فرصت به پلیس تحویل داده و یا اجازه دستگیری او را صادر کنند: ما از همین خاطر می گوئیم که مسئولیت پارلمانی او لغو شود، او را تعلیق و به ما تسلیم نماید تا ما از آن تحقیق نماییم و بلاخره جرم و جرایم در کابل کم شود. علت اصلی جرایم که در کابل رخ می دهد، مه قبل هم می خواستم بگویم که تقریباً 50% جرایم سازمان یافته توسط همین افرادی که در آنجا موجود است صورت می گیرد. بناء تقاضای من از دولت افغانستان و از وکلای محترم پارلمان، وکلای ملت شریف و عزیز افغانستان و رئیس پارلمان اینست که این شخص را به ما تسلیم نماید و یا ما را اجازه دهد که او را دستگیر نماییم. الله گل مجاهد و برادرش جنت گل عامل کشته و زخمی شدن پلیس و افراد ملکی در ده سبز است و در این قضیه با راه اندازی تظاهراتی خشونت آمیز مانع آغاز کار اعمار شهر کابل جدید شده است. بگفته رییس تحقیقات جنایی پولیس کابل، الله گل مجاهد عضو مجلس نمایندگان حدود شصت نفر افراد مسلح غیر قانونی دارد که با سلاح های سبک و سنگین مجهز اند و همچنین از نزد وی حدود سیزده کیلوگرام آمونیم نایتريت را نیز بدست آورده اند که از آن در ساخت مواد انفجاری استفاده می شود.

مسعود درکنار ریاست کریکت بورد به حیث مشاور امور قبایل و سرحدات درمشاور خانه کرزی نیز کار می کند. او طی دوازده سال گذشته تحت حمایت کرزی در بدنه حکومت فاسد چسپیده و از این طریق به آرگاه و بارگاه دست یافته است.

شهزاده مسعود



ورزش افغانستان در یک دهه گذشته گاو شیرینی شده برای جنگسالاران و برخی اطرافیان کرزی. آنان بعضی پیروزی هایی را که ورزشکاران ما با تلاش و امکانات شخصی در بازی های جهانی کسب می کنند به نام خود ثبت کرده از این طریق برای خود تبلیغ کرده پول بدست می آورند و آنرا به جیب می زنند. کرزی برای جلب و جذب چهره های جهادی و کشاندن شان بسوی خود، کرسی ریاست رشته های مختلف ورزش را به افرادی سپرده که نه از ورزش بویی می برند و نه هم در گذشته در این بخش تجربه کاری دارند. جامعه ورزشکاران از این عناصر فاسد تنفر داشته همیشه از طریق مطبوعات صدای اعتراض شان بلند است اما کسی به داد آنان نمی رسد.

ظاهر اغبر از نزدیکان قسیم فهیم، کرام الدین کرام از دیگر جهادی های سر سپرده به فهیم و شهزاده مسعود از اطرافیان کرزی چنان بر بودجه و امکانات و مزایای ورزش لمیده اند که گویا میراثی است از نیاکان برای آنان. ظاهر اغبر دوسیه ای «در قضیه تزویز و سواستفاده از صلاحیت وظیفوی» در ریاست خارنوالی مبارزه با جرایم فساد اداری دارد اما مثل هزاران دوسیه دیگر فساد و غارت به آرشیف سپرده شد. او اخیرا روی برخی اختلافات با فهیم از این پست کنار زده شد و تلاش و کمپاین هایش نیز برای قاپیدن دوباره این کرسی به جایی نرسید. حکومت کرزی کرام الدین کرام والی پنجشیر و رییس اجباری فدراسیون فوتبال را به جای اغبر در المپیک نصب کرد. مدیری بدتر از مدیر قبلی که جز چانته پر کردن و به جیب زدن مهارت دیگر ندارد.

ورزش افغانستان زمینه های فراوان رشد و کسب افتخارات در سطح جهان را دارد، اما موجودیت فاسدان در راس آن باعث شده که پیشرفت ها درین زمینه به حداقل برسد و آنچه تا کنون نصیب شده عمدتا به پشتکار و تلاش شخصی ورزشکاران ما بدست آمده است.

لت وکوب عبدالفتاح یاسر مشاور پیشین کریکت بورد توسط شهزاده مسعود رئیس این بورد. یاسر جوان حدود ۲۸ ساله به تاریخ ۱۸ عقرب ۱۳۹۲ در دوکان عکاسی کوچک خود در منطقه کارته نو از سوی شهزاده مسعود، برادرش و چند تن از محافظان شخصی او مورد لت و کوب قرار گرفت. شهزاده مسعود به این بهانه که گویا برای فوتو کاپی تذکره به این دوکان آمده ابتدا یاسر را با خاین گفتن توهین می کند و سپس لمپن وار او را می کوبد و لگد مال می کند. در نهایت یاسر با سروصورت خون آلود تحویل پولیس حوزه هشتم امنیتی کابل می شود. او یک شبانه روز با بدن زخمی در قید پولیس بسر می برد. یاسر خبرنگاری است که چند سالی با

تلویزیون «آریانا» و «شمشاد» کار کرده و حدود چهار ماه پیش به عنوان مشاور مطبوعاتی اداره کریکت افغانستان تعیین شد. آنزمان عمر زاخیلوال وزیرمالیه ریاست این اداره را برعهده داشت. اما با انتصاب شهزاده مسعود به عنوان رئیس کریکت بورد، یاسر با بیست نفر دیگر برکنار می‌شوند و به جای آنان از اقارب و نزدیکان رئیس جدید جابجا می‌گردند.

یاسر که حقایق زیادی از نحوه مدیریت مسعود و دیگر مسوولان کریکت و خورد و برد های این افراد با خود داشت آنرا تاریخ وار و مستند روی صفحه فیسبوک خود گذاشت و در یکی دو وبسایت خبری نیز نشر کرد. در بخشی از مطلب یاسر آمده است که: شهزاده مسعود رئیس عمومی کریکت بورد، نسیم الله دانش رئیس اجرایی سابق کریکت بورد و نورمحمد مراد رئیس اجرایی فعلی این اداره با تشکیل یک مثلث فساد پول اداره کریکت افغانستان و ورزشکاران را برای تفریح و خوش گذرانی خود و اعضای خانواده های خود در دوی و برخی کشور های دیگر به مصرف رسانده اند، مصارف تلفون شخصی مسعود ماهوار شصت هزار افغانی است، پولهای کمک شده شرکت مخابراتی اتصالات و چندین تاجر و اداره کمک دهند به جیب این افراد رفته است. کریکت بورد حدود یک میلیون دالر بودجه انکشافی از حکومت افغانستان بدست می‌آورد، هفتصد هزار دالر از شرکت مخابراتی اتصالات و هفتصد هزار دالر دیگر از شورای جهانی کریکت می‌گیرد اما مقدار ناچیز این پول در زمینه کریکت مصرف می‌شود و متباقی به جیب شخصی این افراد واریز می‌شود. کارمندان کریکت بورد حتی تا چندین ماه معاش ماهوار خود را بدست نمی‌آورند. یاسر همچنان نوشته است که کریکت بورد زیر نام تاسیس یک اکادمی کریکت در سال ۲۰۱۱ دوصد و پنجاه هزار دالر امریکایی از اتصالات بدست آورد اما تا کنون از ساخت و ساز این اکادمی هیچ خبری نیست. از سه سال به این سومسولان کریکت بورد زیر نام مالیه از معاشات کارمندان پول اخذ می‌کنند اما این پول تحویل خزانه حکومت نشده است. یاسر همچنان نوشته است که اسناد و مدارک فساد و چپاول در کریکت بورد را با خود دارد و آنرا تحویل مراجع قانونی خواهد کرد و در آینده نیز پرده از حقایق این اداره برخواهد داشت.

یاسر پس از این لت و کوب چندین بار از سوی شهزاده مسعود تهدید شده و به او گفته شده که باید دهنش را ببندد ورنه با وضعیت بدتر از حال روبرو خواهد شد. اما آنچه در اداره مافیایی کرزی معمول است، تا کنون هیچ نهاد حکومتی قضیه لت و کوب و توهین این خبرنگار را بررسی نکرده و از شهزاده مسعود هم برای بدمعاشی و خود کامگی اش پرس و پال نشده است.

ادامه دارد . . .

www.esalat.org